



قواعد اصولی فقه البیان

جلسه اول

(مروری بر سرفصل‌های دوره)



مدرسه فقهی هدایت

۸ بهمن ۱۴۰۲

شهر مبارک قم

اللَّهُمَّ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو پیاده اولیه سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) در جلسه اول از سلسله جلسات تبیین «قواعد اصولی فقه البیان» (با موضوع مروری بر سرفصل‌های دوره) می‌باشد که در تاریخ یکشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲ در شهر مبارک قم برگزار گردیده است.

قواعد اصولی فقه البیان / جلسه اول

مروری بر سرفصل‌های دوره

مقدمه: ضرورت «ارتقاء قواعد استنباط» برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه اسلامی
شرح سوال

بی‌جواب ماندن نیازها و حرکت کردن به سمت الگوی غیر دینی؛ نتیجه عدم ارتقاء حوزه علمیه در قضاوت

چه انتقاداتی به اصول فقه موجود وارد است؟
تصویر

مخدوش بودن ادله امضایی دانستن زبان شارع

مانند عدم ردع شارع، وابستگی تفاهم شارع با عرف به امضای زبان عرف و ...

بحث حداقلی راجع به مفهوم مصالح و مفاسد مرتبط با احکام

باعث کاهش میزان تفاهم و درونی‌سازی احکام

عدم بحث از علت توجع الفاظ امر و نهی در کلام شارع

باعث کاهش تفاهم درباره اولامر و نواهی

نپرداختن به «جمع ابتدایی ادله» (محدود کردن به مقام تعارض)

عدم ایجاد نظام فکری در مکلف (نگاه اتمیک به احکام)

نداشتن روش مشخص برای موضوع‌شناسی

مقهور گزارش‌های موضوع شناسانه کارشناسان موجود

حجیت قول خبره، حجیت بناء عقلاء، قاعده منطقة الفراغ و عرف زمان مخاطب و ...

بیان شارع محترم چه ویژگی‌هایی دارد؟
تعریف

تفاوت سوالات، اصطلاحات، ارجاعات، تبویب بیان شارع با بیان عرف‌های تخصصی عمومی

تاکید بر علمی بودن بیان شارع: اصطلاح علم کامل، علم خطاناپذیر از جانب خداوند و ...؛ یکی از ویژگی‌های ۴ گانه در مقابل: انحصار بیان شارع و استنباط در مجموعه‌ای از اوامر و نواهی و اکتفاء به یکسری دستورات حداکثری بدون دلیل

کلید فهم بیان علمی شارع چیست؟
(قواعد بیان مبتنی بر تأمل)
تعریف

ارتقاء مفهوم سوال، تأمل و ابعاد آن به عنوان کلید خزائن العلم بنا بر استنطاق از وحی

تبیین حالات قلب نسبت به سوال، مناشی پیدایش سوال، نحوه ساخت سوال و بهینه‌کردن سوال (تقیح)

الگوی تبیین جواب اجمالی در بیان شارع، چه ابعادی دارد؟
(قواعد بیان مبتنی بر مکت)
تعریف

بحث در مورد: ۱. حداقل ۳ بعدی بودن جواب شارع (شامل: تعریف، تصویر و تصمیم)
۲. نحوه ترتب اجزای جواب شارع بر یکدیگر

چگونه ارزش جواب‌های شارع را واضح کنیم؟
(قواعد بیان مبتنی بر مقایسه)
تعریف

قدرت فقیه بر مقایسه کردن سوال و جواب استنباط شده خودش با سوال و جواب‌های دستگاه‌های دانشی دیگر

به هدف کشف عقلانیت شارع (واضح کردن ارزش سوال و جواب شارع برای قدر مکلف از ریب و شک)

چگونه سوال و جواب شارع را تعمیق کنیم؟
تعریف

بیان مبتنی بر رفق
بیان مبتنی بر منزلت
بیان مبتنی بر افتتاح
بیان مبتنی بر کتم
بیان مبتنی بر سیاق

تعمیق بخش تصویر قاعده مبتنی بر مکت (جواب اجمالی)
تعمیق بخش تصمیم: زمان و مکان اتخاذ تصمیم
تعمیق بخش تصمیم: تسهیل اقدام مکلف با تاکید بر افتتاح و اختتام امر
تعمیق بخش تصمیم قاعده مبتنی بر مکت (جواب اجمالی)
تعمیق بخش تعریف قاعده مبتنی بر مکت (جواب اجمالی)

بیان شارع چه معاریض و انصرافاتی دارد؟
تعریف

انصراف کلام شارع از نقطه شروع به نقطه ختم، دارای هفت حوزه با تقسیمات درونی هفتاد گانه

مراحل مدارا با ظرفیت‌های مختلف از نظر شارع کدام است؟
(بیان مبتنی بر ظرفیت)
تعریف

نیاز به قواعد ممهده در نحوه بیان احکام و در استنباط احکام متناسب با ظرفیت‌های مختلف به جهت تفاهم و نظام‌سازی

خاتمه: فائده توجه به سوالات هشت گانه مطرح در قواعد اصولی فقه البیان
تصویر

۱. قدرت کشف عقلانیت شارع و بی‌نیازی از عقلانیت‌های پوزیتیویستی و فلسفی
۲. عدم توجه به قواعد ممهده باعث نقل روایت بدون روایت (اخباری‌گری) و به چالش کشیدن زندگی خود و مردم

فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ضرورت «ارتقاء قواعد استنباط» برای پاسخگویی به نیازهای جامعه اسلامی..... ۱
۲. معرفی اجمالی سرفصل‌های دوره: ۳
- ۲/۱. سؤال اول: چه انتقاداتی به اصول فقه موجود وارد است؟..... ۳
- ۲/۱/۱. امضایی دانستن زبان شارع؛ اولین انتقاد به اصول فقه موجود..... ۳
- ۲/۱/۲. بحث محدود درباره وابستگی احکام و اوامر و نواهی به مصالح و مفاسد؛ دومین انتقاد به اصول فقه موجود..... ۴
- ۲/۱/۳. عدم بحث از علت تنوع الفاظ امر و نهی در کلام شارع؛ سومین انتقاد به اصول فقه موجود..... ۴
- ۲/۱/۴. نپرداختن به «جمع ابتدایی ادله»؛ چهارمین انتقاد به اصول فقه موجود..... ۵
- ۲/۱/۵. نداشتن روش مشخص برای موضوع‌شناسی؛ پنجمین انتقاد به اصول فقه موجود..... ۶
- ۲/۱/۶. حجیت قول خبره، حجیت بناء عقلاء، قاعده منطقه الفراغ، عرف زمان مخاطب و...؛ انتقاداتی دیگر به اصول فقه موجود..... ۶
- ۲/۲. سؤال دوم: بیان شارع محترم چه ویژگی‌هایی دارد؟..... ۶
- ۲/۳. سؤال سوم: کلید فهم بیان علمی شارع چیست؟ (قواعد بیان مبتنی بر تأمل)..... ۸
- ۲/۴. سؤال چهارم: الگوی تبیین جواب اجمالی در بیان شارع، چه ابعادی دارد؟ (قواعد بیان مبتنی بر مکث)..... ۹
- ۲/۵. سؤال پنجم: چگونه ارزش جواب‌های شارع را برای مخاطب واضح کنیم؟ (قواعد بیان مبتنی بر مقایسه)..... ۱۰
- ۲/۶. سؤال ششم: چگونه سوال و جواب شارع را تعمیق کنیم؟..... ۱۱
- ۲/۶/۱. بیان مبتنی بر رفق؛ روش تعمیق تصویر..... ۱۱
- ۲/۶/۲. بیان مبتنی بر منزلت؛ روش تعمیق تصمیم (زمان و مکان تصمیمات)..... ۱۲
- ۲/۶/۳. بیان مبتنی بر انفتاح؛ روش تعمیق تصمیم (آغاز و پایان تصمیمات)..... ۱۲
- ۲/۶/۴. بیان مبتنی بر کم؛ روش تعمیق ساختار پاسخگویی شارع (با استفاده از کم و عدد)..... ۱۲

۲/۶/۵. بیان مبتنی بر سیاق؛ روش تعمیق تعریف..... ۱۲

۲/۷. سؤال هفتم: بیان شارع چه معاریض و انصرافاتی دارد؟..... ۱۳

۲/۸. سؤال هشتم: مراحل مدارا با ظرفیت‌های مختلف از نظر شارع کدام است؟ (بیان مبتنی بر ظرفیت) .. ۱۴

۳. خاتمه: قدرت کشف عقلانیت شارع (و بی‌نیازی از عقلانیت‌های پوزیتویستی و فلسفی)؛ فائده و نتیجه توجه به

سوالات هشتگانه مطرح در قواعد اصولی فقه الی بیان..... ۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاخُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

۱. مقدمه: ضرورت «ارتقاء قواعد استنباط» برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه

اسلامی

سلام عرض می‌کنم خدمت همه برادران و خواهران گرامی و علاقه‌مندان به مباحث فقهی مطرح در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی. همان‌گونه که به اطلاع شما رسیده است از امروز دوره جدیدی از مباحث محترم و متعالی «فقه البیان» را محضر شما طرح می‌کنیم و تبیین می‌کنیم. امیدوارم که این دوره جدید مباحث فقه البیان، مباحث روشی حاکم بر نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفته اسلامی را بیشتر برای دوستان واضح کند، و کمک کند به اینکه مبانی روشی و قواعد روشی در ذهن همه ما ارتقاء پیدا کند.

همان‌گونه که شما استحضار دارید اساس استضاء بیشتر به بیان وحی و استفاده بیشتر از کلام وحی «ارتقاء قواعد روشی» است. اگر می‌خواهیم بیشتر از فقاهت فعلی، از نور وحی در زندگی خودمان



بهره ببریم لازم است که حتماً همتی داشته باشیم و قواعد مُمَهَّده برای استنباط یعنی قواعدی که در طریق استنباط ما را یاری می‌کنند را ارتقاء دهیم.

به گمان بنده یکی از دلایلی که باعث شده است نیازهای بسیاری در جامعه اسلامی، بدون جواب باقی بماند و افراد مسلمان در جامعه اسلامی، ناخواسته به سمت تفکرات دیگران حرکت کنند این است که حوزه علمیه فعلی قصد چندانی برای ارتقاء قواعد استنباط ندارد؛ از یک طرف ما مشاهده می‌کنیم که با وقوع انقلاب اسلامی سوالات متعددی در حوزه اداره جامعه از حوزه علمیه پرسیده می‌شود، ولی از طرف دیگر می‌بینیم که حوزه علمیه فعلی پاسخ چندانی به این سوالات مطرح نمی‌کند.

البته هر دیده بینا و هر قلب منصفی، رشد فعالیت‌های حوزه علمیه در چله اول انقلاب اسلامی را مشاهده می‌کند و من نمی‌خواهم بگویم که حوزه علمیه فعلی، شبیه حوزه علمیه قبل از انقلاب است. خیر! در حوزه‌های مختلفی رشد اتفاق افتاده است و محصولات فکری فراوانی در اختیار جامعه اسلامی قرار گرفته است، ولی سخن در این است که این رشد نتوانسته است یک الگوی کامل برای حل مسائل جامعه را از درون حوزه علمیه به جامعه پیشنهاد کند، و علت اینکه در این حوزه، رشد ناقص است، ضعف قواعد تفقه و استنباط است. این گمان بنده است که در مواضع متعددی استدلال‌هایی را بر آن اقامه کرده‌ایم. ان‌شاء الله در این دوره بحثی هم در این حوزه گفتگوهای جدیدی را مطرح خواهیم کرد. بنابراین اینکه ما در حوزه علمیه در حوزه ارتقاء قواعد مُمَهَّده برای تفقه و استنباط گفتگو کنیم، به ما کمک می‌کند که ان‌شاء الله در آینده پاسخ‌های قوی‌تر و غنی‌تری را به نیازهای جامعه اسلامی ارائه کنیم. این [نکاتی که مطرح شد نشان‌دهنده] ضرورت برگزاری این دوره بحثی است. پس ما به دلیل اینکه عقب افتادگی‌های متعددی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه داریم، نیازمند گفتگوی جدی درباره قواعد مُمَهَّده و قواعد تفقه هستیم.

این به نظر من بسیار دلیل محکمی است که همه اساتید، همه نخبگان، همه طلاب گرامی با یک فراغ بال و آزاداندیشی ورود پیدا کنند و درباره چستی و چگونگی ارتقاء قواعد مُمَهَّده با همدیگر گفتگو کنند. اگر ان‌شاء الله این اتفاق رقم بخورد، حوزه علمیه آینده یک حوزه علمیه با سطح فقاقت بالاتر و با سطح پاسخگویی بالاتر به نیازهای جامعه خواهد بود. بیش از این درباره ضرورت برگزاری این دوره صحبتی نمی‌کنم، و در جلسه اول سرفصل‌های این دوره مباحثاتی را محضر شما مطرح می‌کنم.



۲. معرفی اجمالی سرفصل‌های دوره:

بر اساس نگاه روشی خودمان در هر دوره بحثی، سؤالاتی را برای هر نظریه و هر مطلب فقهی آماده می‌کنیم که به محوریت آن سوال‌ها منظور خودمان را در آن دوره بحثی به مخاطبان‌مان منتقل می‌کنیم. در این دوره بحثی نیز هشت پرسش که مرتبط با قواعد ممهده استنباط است را آماده کرده‌ام که به ترتیب در این دوره بحثی آنها را محضر شما طرح خواهیم کرد، منتهی در این جلسه اول، اشاره‌ای به این پرسش‌ها خواهیم داشت تا شما چشم انداز بحث را بهتر درک کنید و اگر می‌خواهید زمانی به استماع مباحث این دوره و حضور در جلسات این دوره اختصاص دهید، بدانید که برای چه چیزی وقت‌تان را اختصاص می‌دهید و یک ارزیابی بهتری از مباحث «دوره جدید فقه‌البیان» در ذهن مبارک شما به وجود بیاید.

۲/۱. سؤال اول: چه انتقاداتی به اصول فقه موجود وارد است؟

پرسش اولی که ما در این دوره بررسی خواهیم کرد معرفی انتقادات به اصول فقه موجود است؛ اندکی در این دوره بحث خواهیم کرد که چه انتقاداتی به اصول فقه موجود وارد است. باید در این مطلب دقت کرد و به آن به صورت ویژه توجه داشت. در مجموع ده تا انتقاد را که مدرسه فقهی هدایت به اصول فقه موجود دارد در این دوره شرح خواهیم داد. بعضی را در این جلسه اول اشاره می‌کنم و ان‌شاءالله وقتی نوبت پاسخ دادن به این سوال و این سرفصل رسید، به صورت تفصیلی به آن خواهیم پرداخت.

۲/۱/۱. امضایی دانستن زبان شارع؛ اولین انتقاد به اصول فقه موجود

یکی از انتقادات به حوزه علمیه فعلی و به اصول فقه موجود این است که ما فکر می‌کنیم ادله امضایی بودن زبان شارع مخدوش است. همان‌گونه که اساتید محترم و فضلالی محترم اطلاع دارند یکی از سرفصل‌های مهم در اصول فقه این است که از یک طلبه و از یک فقیه سوال می‌شود که آیا زبان شارع امضایی است یا تأسیسی؟ عمده طلبه‌ها به این سمت میل پیدا می‌کنند که شارع، زبان امضایی دارد. دلائلی مثل «عدم الردع شارع» را مطرح می‌کنند. [همچنین] دلائلی مثل «وابستگی تفاهم شارع با عرف به امضای زبان عرف» را مطرح می‌کنند. از نظر ما همه این ادله مخدوش است که در جای خودش به آن خواهیم پرداخت. پس این یک محور است. ما فکر می‌کنیم اصول فقه موجود، به



شکل منقح و دقیق به این مسأله نپرداخته است. پیشنهادمان این است که ادله امضایی بودن زبان شارع، بیشتر در درس‌های خارج مورد دقت قرار گیرد و راجع به آن، بیشتر گفتگو شود.

۲/۱/۲. بحث محدود درباره وابستگی احکام و اوامر و نواهی به مصالح و مفاسد؛

دومین انتقاد به اصول فقه موجود

یکی دیگر از محورهای انتقاد به اصول فقه موجود و انتقاد به کتاب کفایة الاصول مرحوم آخوند این است که این کتاب به صورت حداقلی راجع به مفهوم «مصالح و مفاسد مرتبط با احکام» وارد بحث شده است؛ مرحوم آخوند خیلی اجمالی درباره اینکه احکام تابع مصالح و مفاسد هستند مباحثاتی را مطرح کرده است. ما فکر می‌کنیم این گفتگوها باز باید جدی‌تر در اصول فقه مطرح می‌شد. اساساً تصور ما در مدرسه فقهی هدایت بر این است که تفاهم درباره اوامر و نواهی، و درباره احکام، وابسته به تفاهم درباره مصالح و مفاسد حاکم بر احکام است؛ اینکه یک فقیه، احکام را استنباط کند ولی خود را ملتزم به تفاهم مصالح و مفاسد حاکم بر احکام نداند، از نظر ما یک ضعف جدی است؛ به همان میزان که شما درباره مصالح و مفاسد حاکم بر احکام، با مخاطبان خودتان سخن نمی‌گویید، به همان میزان هم تفاهم درباره احکام و درونی‌سازی احکام کاهش پیدا می‌کند. بنابراین ما فکر می‌کنیم درباره چگونگی استنباط مصالح و مفاسد مرتبط با احکام باید در اصول فقه بیشتر گفتگو شود و راجع به آن، بیشتر سخن به میان بیاید. این هم یک محور بحثی مهم است که در آینده بیشتر راجع به آن بحث می‌کنم.

۲/۱/۳. عدم بحث از علت تنوع الفاظ امر و نهی در کلام شارع؛ سومین انتقاد به اصول

فقه موجود

یکی از موارد دیگری که فکر می‌کنیم در مباحث الفاظ باید مورد دقت قرار گیرد این است که درباره علت تنوع الفاظ امر و نهی در آیات و روایات باید بحث شود. ما باید منظور شارع از استخدام الفاظ متفاوت در تبیین اوامر و نواهی را کشف کنیم. اگر در اصول فقه درباره فلسفه تنوع الفاظ بحث تفصیلی صورت نگیرد و به صورت اجمالی راجع به این مسئله بحث شود، طلبه فقیه در مقام استنباط، همه اوامر و نواهی را با لفظ واحد برای مردم روایت می‌کند، و بالتبع تفاهم درباره اوامر و نواهی کاهش پیدا می‌کند. اینکه یک فقیهی همه امور حرام را با لفظ «حرام» برای مردم تبیین کند و همه امور حلال را با لفظ «حلال» برای مردم تبیین کند، مانع تفاهم حداکثری حلال‌ها و حرام‌ها



می‌شود. ما قبول داریم که در ادبیات شارع محترم، حلال و حرام دو لفظ بسیار مهم هستند، اما بحث در این است که چرا شارع محترم از الفاظ متعدد دیگری هم برای تبیین اوامر و نواهی خود استفاده کرده است؟ تعدد الفاظ به نظر ما ارتباط فراوانی با تفاهم حداکثری شریعت دارد. البته اینکه ساختار بیان شارع را در استخدام الفاظ مرتبط با اوامر و نواهی کشف کنیم، نیاز به قواعد ممهده‌ای دارد که فکر می‌کنیم در اصول فقه موجود کمتر به آن پرداخته شده است.

۲/۱/۴. نپرداختن به «جمع ابتدایی ادله»؛ چهارمین انتقاد به اصول فقه موجود

بحث درباره «جمع ادله» یکی از محورهای مباحثاتی انتقادی به اصول فقه موجود است. همانطور که حضرات آقایان علما و فقهای عظام شیعه در مباحثاتشان مطرح کرده‌اند بحث «جمع ادله» محدود به مقام تعارض است، و طلبه زمانی به فکر جمع ادله می‌افتد که تعارض بدوی یا تعارض مستقری میان ادله احساس کند. ما به این مسأله انتقاد داریم؛ به محدود کردن تفکر درباره جمع ادله به موارد تعارض انتقاد داریم؛ ما فکر می‌کنیم در ادبیات شارع، ایده‌ای به اسم «جمع ابتدایی ادله» وجود دارد، و باید راجع به آن در اصول فقه بحث شود. جمع ابتدایی ادله برای فقیه متصور است. در جمع ابتدایی ادله اساساً تعارضی بین روایات نیست، بلکه فقیه به دنبال کشف ارتباط ادله در حوزه‌های مختلف است. اینکه قواعد کشف ارتباط به صورت ابتدایی چه چیزهایی است، یک قاعده ممهده مهم است که ما فکر می‌کنیم کتاب کفایة الاصول [آخوند خراسانی] و کتاب رسائل شیخ [انصاری] در این حوزه ساکت است. بنابراین فقیه‌ای که با مبانی این دو کتاب وارد حوزه استنباط می‌شود، از اساس توجهی به «جمع ابتدایی ادله» ندارد، بنابراین نمی‌تواند کمکی به ایجاد نظام فکری در مکلف بکند، و ذهن بریده‌بریده‌ای برای مکلف نسبت به احکام ایجاد می‌کند؛ به اصطلاح بعضی از فضلالی فعلی حوزه علمیه، یک «نگاه اتمیک به احکام» در ذهن خودش و در ذهن مکلف ایجاد می‌کند. بنابراین گفتگو در مورد چگونگی جمع ابتدایی ادله یک ضرورت است، و یک انتقاد جدی به اصول فقه موجود، سکوتی است که درباره همین بحث جمع ادله دارد.



۲/۱/۵. نداشتن روش مشخص برای موضوع‌شناسی؛ پنجمین انتقاد به اصول فقه

موجود

موارد دیگری را هم ما در فهرست انتقادات به اصول فقه موجود نوشته‌ایم؛ مثل اینکه حوزه علمیه فعلی روش مشخصی را برای «موضوع‌شناسی» در اختیار ندارد و همیشه - به نظر ما - مقهور گزارش‌های موضوع‌شناسانه کارشناسان موجود واقع می‌شود.

۲/۱/۶. حجیت قول خبره، حجیت بناء عقلاء، قاعده منطقۃ الفراغ، عرف زمان مخاطب

و...؛ انتقاداتی دیگر به اصول فقه موجود

یا درباره «حجیت قول خبره»، درباره «حجیت بنای عقلاء»، درباره اینکه آیا ما محدوده‌ای به اسم «مالانصّ فیه» و «منطقۃ الفراغ» داریم یا نداریم، یا درباره اینکه آیا فقیه باید عرف زمان مخاطب را بشناسد، و این را مبنای فقاقت قرار دهد کما اینکه در مکتب مرحوم آیت الله بروجردی رحمت الله علیه، و بعضی از شاگردان دیگرشان مثل مرحوم آقای منتظری و... این مبنا برجسته است، آیا این حجیت دارد؟ یا اینکه باید به این سمت برویم که مخاطب شارع را با همه زمان‌ها بحث بکنیم، نه فقط با عرف زمان مخاطب؟ قواعد مخاطب شارع با همه زمان‌ها، چه تفاوتی با قواعد مخاطب شارع با عرف زمان مخاطب دارد؟ این‌ها را باید بحث کنیم.

در مجموع این فهرستی بود از اشکالاتی که در مدرسه فقهی هدایت نسبت به اصول فقه، موجود است که امیدوارم در این دوره بحثی بتوانیم اندکی راجع به این فهرست بحث کنیم. پس این سوال اول است. اگر تمایلی داشتید که در دوره مباحثاتی جدید فقه البیان حضور پیدا کنید، این را بدانید که ما در سرفصل اول، مجموعه‌ای از انتقادات را به اصول فقه موجود مطرح می‌کنیم و ان‌شاء الله سعی می‌کنیم در طول دوره آن را بررسی کنیم.

۲/۲. سؤال دوم: بیان شارع محترم چه ویژگی‌هایی دارد؟

سرفصل دوم مباحث در این دوره با این عنوان شروع می‌شود که «در محضر چه کسی هستیم؟» در قالب این سرفصل ما به دنبال بیان ویژگی‌های بیان شارع محترم هستیم. همانطور که در سرفصل اول اشاره شد، قائل به تاسیسی بودن زبان شارع هستیم، بنابراین در سرفصل دوم از زبان خود شارع،



ویژگی‌های بیان شارع را مطرح می‌کنیم. این هم بسیار سرفصل مهمی است. در این سرفصل بحثی است که انتظارات فقیه از دین و از بیان شارع شکل می‌گیرد. به نظر ما طلبه فقهی که بر ویژگی‌های بیان شارع از منظر خود شارع تسلط ندارد، انتظاراتش نسبت به تفقه کاهشی است، و به نوعی به «دین حداقلی» مبتلا می‌شود. اما اگر کسی خودش را ملتزم بداند به اینکه ویژگی‌های بیان شارع را در بیان شارع جستجو کند، آن وقت - به نظر من - درک او از محتویات بیان شارع ارتقا پیدا می‌کند. بنابراین ما در سرفصل دوم بحث - که به عنوان یک مقدمه اساسی علم اصول فقه مطرح در مدرسه هدایت است - دائماً در مورد «ویژگی‌های بیان شارع در بیان خود شارع» صحبت می‌کنیم. ما فکر می‌کنیم اولین قاعده مهمه در فرایند استنباط این است که کسی از خود شارع در مورد ویژگی‌های بیانش استنتاج کند. بیان شارع بسیار با بیان عرف تفاوت دارد، با بیان عرف‌های تخصصی، با بیان عرف‌های عمومی [تفاوت دارد]. سوالات بیان شارع، اصطلاحات بیان شارع، ارجاعات بیان شارع، تبویب بیان شارع، اینها همه، با موارد مشابه در عرف‌های تخصصی و عرف‌های عمومی متفاوت است.

بنابراین ما فکر می‌کنیم طلبه در اولین گام باید بداند که در مورد چه بیانی مشغول تفقه است، و در مورد چه ادبیاتی دارد بررسی عمیق را شروع می‌کند. باز در این حوزه هم بیان کتاب کفایة الاصول انصافاً بیان ناقصی است؛ خیلی مختصر در این حوزه بحث کرده است، و به نظر ما باید تفصیلی‌تر بحث شود. بنابراین سوال دوم در دوره جدید فقه البیان این است که ما با ویژگی‌های بیان شارع محترم آشنا شویم.

بیش از چهار ویژگی را برای این دوره انتخاب کرده‌ام تا راجع به آن صحبت کنم. یکی از آن ویژگی‌های چهارگانه‌ای که ان‌شاء‌الله در جلسات آینده توضیح خواهیم داد این است که شارع محترم تاکید دارد که بیان من نوعی «علم» است. روایات متعدد و آیات متعددی داریم که شارع، بیان خودش را بیان علمی و بیان استدلالی می‌داند. لذا فقهی که عمر خودش را مصروف به بررسی بیان شارع می‌کند، اگر توجه داشته باشد که شارع مدعی یک «علم» است - علمی که در ادبیاتش با ویژگی‌های مشخصی معرفی شده است مانند «علم خطاناپذیر»، «علم کامل»، «علمی که از ناحیه خداوند است» و ویژگی‌های دیگر - چنین فقهی استنباط متفاوتی خواهد داشت نسبت به فقهی که وقتی با کلمات وحی روبرو می‌شود فقط خودش را در مقابل مجموعه‌ای از اوامر و نواهی بداند. البته



یک بیان علمی حتماً بخش اوامر و نواهی هم دارد، ولی سخن در این است که اگر ما اکتفا کردیم به اینکه در مقام استنباط، فقط به بخش اوامر و نواهی بیان شارع توجه کنیم، خروجی استنباط ما به مخاطب ما القاء نمی‌کند که با یک علم جدید روبرو است بلکه به او القا می‌کند که با یک دستورات حداکثری جدیدی روبرو است، و عمده ادله آن دستورات را هم نمی‌داند. بنابراین در مقام امتثال، مکلف دچار اشکال می‌شود؛ اشکالی که به نحوه بیان فقیه برمی‌گردد، نه به ماهیت علمی بیان شارع. بنابراین بسیار مهم است که ما ویژگی‌های بیان شارع را بدانیم. همان‌گونه که عرض کردم بیان شارع در اولین ویژگی خودش یک بیان علمی است. حالا راجع به آن بیشتر صحبت خواهیم کرد.

۲/۳. سؤال سوم: کلید فهم بیان علمی شارع چیست؟ (قواعد بیان مبتنی بر

تأمل)

سرفصل سومی که ما در این دوره بحثی به آن خواهیم پرداخت این است که کلید فهم بیان علمی شارع کجاست؟ اگر ما قبول کردیم که بیان شارع، بیان علمی است - با ویژگی‌هایی که حالا ان‌شاء الله به آن اشاره خواهیم کرد - [سؤال این می‌شود که] شارع، کلید فهم بیان علمی خود را کجا قرار داده است؟ این نیز یک سوال بسیار مهم است.

در بعضی از روایات ما تعبیر شده به اینکه آیات و روایات، هر کدام صندوقچه‌هایی از علم هستند، هر کدام، مخزنی از علم محسوب می‌شوند. سوال این است که این صندوقچه علم چگونه برای یک فقیه بازگشایی می‌شود؟ کلید بازکردن این صندوقچه‌های علم و خزائن علم چیست؟

ما در مباحث فقه البیان این را زیاد مطرح کرده‌ایم که کلید فهم بیان شارع «کشف سوال» است. امام علیه السلام در موارد متعددی تصریح کرده‌اند به اینکه اگر کسی بتواند سوال را تبدیل به «سوال حسن» - سؤال خوب - کند، می‌تواند به مجموعه علم درون آن صندوقچه دست پیدا کند.

بنابراین ما در سوال سوم این دوره بحثی، سعی می‌کنیم فهم طلبه و فقیه را از مفهوم «سوال» و «تأمل» ارتقا بدهیم. این هم به نظر من یک بحث بسیار جذاب است که در روایات و آیات ما وجود دارد که ما ابعاد «سوال» را از مقام امام علیه السلام استنتاج کنیم و راجع به آن صحبت کنیم.



اینجا هم بحث‌های متفاوتی خواهیم داشت: [نظیر اینکه] این حالات قلب نسبت به سوال را تبیین می‌کنیم. مناشئ پیدایش سوال و تأمل را بحث می‌کنیم، و سعی می‌کنیم یک مقدار از روش تحقیق‌های موجود دانشگاهی که سعی می‌کنند ذیل عنوان مسأله، سوال را تئوریزه کنند، و از عرف‌های عمومی که در مورد سوال بحث می‌کنند، ما مقداری عمیق‌تر راجع به مفهوم «سوال» و «نحوه ساخت سوال» و «نحوه بهینه‌کردن سوال» با شما سخن بگوییم. پس این هم یک سرفصل است.

موارد مرتبط با سوال سوم، ذیل قاعده اصولی «بیان مبتنی بر تامل» است که ان‌شاءالله راجع به آن بیشتر صحبت می‌کنیم. پس این هم محور سوم است. [در] محور سوم در مورد ابعاد سوال بحث می‌کنیم؛ اینکه سؤال چیست؟ چگونه ساخته می‌شود؟ چگونه یک سوال غلط را به یک سوال صحیح تبدیل کنیم؟؛ به اصطلاح درس‌های خارج، چگونه یک سوال را تنقیح کنیم؟ در سرفصل سوم به این گونه از موارد خواهیم پرداخت.

۲/۴. سؤال چهارم: الگوی تبیین جواب اجمالی در بیان شارع، چه ابعادی دارد؟ (قواعد بیان مبتنی بر مکث)

در سوال چهارم این دوره راجع به الگوی جواب‌دهی و پاسخ‌گویی شارع به سوالات بحث می‌کنیم. اینجا یک سوال مهم مطرح می‌کنیم؛ اینکه وقتی شارع در مقام پاسخ‌گویی به یک سوال قرار می‌گیرد آیا پاسخ شارع محترم به آن سوال، تک‌بُعدی است یا اینکه شارع محترم ذو ابعاد و چندبُعدی به یک سوال پاسخ می‌دهد؟

اگر شما فرض دوم را پذیرفتید و گفتید که شارع محترم به نحو بسیط به سوالات پاسخ نمی‌دهد و معاریض مختلفی برای جواب شارع محترم وجود دارد، اینجا یک سوال دومی مطرح می‌شود؛ اینکه ابعاد پاسخ‌گویی شارع کدام است؟ شارع چندبُعدی وارد بحث می‌شود؟

بر اساس ادله‌ای که عرض خواهیم کرد، خواهیم گفت که جواب اجمالی شارع محترم به سوالات، همیشه سه‌بُعدی است. در قالب قاعده «بیان مبتنی بر مکث»، ما هم به نحو استدلالی به ابعاد اجمالی جواب شارع می‌پردازیم، هم به نحوه ترتب اجزای جواب شارع بر یکدیگر خواهیم پرداخت.



دوستانی که در دوره‌های قبلی فقه البیان، مباحث مدرسه فقهی هدایت را مطالعه کرده‌اند می‌دانند که ما معتقدیم شارع محترم در قالب سه تا «ت» جواب خودش را مطرح کرده است؛ «ت» اول «تعریف» است، «ت» دوم «تصویر» است، «ت» سوم «تصمیم» است. بنابراین جواب شارع محترم را همیشه در قالب این سه تا «ت» از ادله فحوص می‌کنیم، و بعد آنها را تبویب می‌کنیم. ادله اینکه چرا جواب شارع، حداقل سه بُعدی است - البته در ادامه بحث اشاره خواهیم کرد که جواب اجمالی شارع، حداقل سه بُعدی است و جواب تفصیلی شارع، بیش از سه بُعد دارد - را اشاره خواهیم کرد.

پس در این پرسش چهارم ما اصرار داریم بر اینکه بیان شارع محترم تک بُعدی نیست، و [اصرار داریم] ساختار جوابگوی شارع به سوالات را اینجا تئوریزه کنیم و ادله فقهی‌اش را محضر شما مطرح کنیم. این هم سوال چهارم.

در این چهار محوری که مطرح کردیم، به دو نوع قواعد ممهده تا الان اشاره کردیم. یک قاعده ممهده بنیادین، که عبارت بود از بیان ویژگی‌های بیان شارع محترم برای طلبه فقیه، که آن انتظارات فقیه از شارع را معقول می‌کند و ارتقاء می‌دهد. این یک بخش بود. در محور سوم و چهارم نیز سوال و جواب شارع را تمهید می‌کنیم. تمهید پایه، کشف سؤال است، و تمهید کامل‌کننده بحث، تبیین ساختار جواب شارع است. ان شاء الله به اینها خواهیم پرداخت.

۲/۵. سؤال پنجم: چگونه ارزش جواب‌های شارع را برای مخاطب واضح

کنیم؟ (قواعد بیان مبتنی بر مقایسه)

سرفصل پنجم بحث این است که حالا ما در قالب سوال و جواب، پاسخ‌های شارع و بیان‌های شارع را تبویب می‌کنیم. اینجا یک سوالی به وجود می‌آید؛ اینکه آیا مخاطب ما قدر سوال و جواب شارع را می‌داند؟ یا اینکه کماکان ممکن است دل او مبتلا به ریب و شک باشد؟ ممکن است بگوید که شاید دیگران و دستگاه‌های دانشی دیگر بتوانند سوال بهتری را مطرح کنند یا بتوانند جواب بهتری به سوال مورد وفاق بدهند، لذا در قاعده پنجم راجع به چگونگی واضح کردن ارزش سوال و جواب شارع برای دیگران بحث می‌کنیم؛ اینکه چگونه یک فقیه ارزش سوال شارع، ارزش جواب شارع را برای



مخاطب مکلف خودش تبیین کند. اینجا ذیل قواعدی که در «بیان مبتنی بر مقایسه» ارائه می‌دهیم، اشاره خواهیم کرد که فقهی که قدرت مقایسه کردن را دارد، قدرت واضح کردن ارزش سوال و جواب شارع را نسبت به سوال و جواب‌های دستگاه‌های دانشی دیگر پیدا کرده است. پس سرفصل پنجم خیلی سرفصل مهمی در کشف عقلانیت شارع است.

در مرحله سوال و جواب، قواعد ممهده‌ای داریم که به ما کمک می‌کند سوال شارع و جواب او را خوب و دقیق بفهمیم، اما در این مرحله، فقیه فرایند دیگری را طی می‌کند؛ اینکه سوال و جواب استنباط شده خودش را با سوال و جواب‌های دستگاه‌های دانشی دیگر مقایسه می‌کند و با این کار، ارزش سؤال‌های شارع و جواب‌های او را برای دیگران واضح می‌کند.

این بسیار تمهید بزرگی است که طلبه نحوه مقایسه کردن را بلد باشد. روایاتی داریم که ما را راهنمایی می‌کنند که رشد را چگونه با «غی» مقایسه کنیم. آیاتی داریم که ما را به مقایسه صحیح رهنمون می‌کنند. ما ان‌شاء‌الله در این دوره به اینها اشاره‌ای خواهیم داشت.

۲/۶. سؤال ششم: چگونه سوال و جواب شارع را تعمیق کنیم؟

سوال ششم بحث این است که حالا که سوال و جواب شارع را استنباط کردیم و بعدش هم مقایسه کردیم، آیا [بیان شارع را] تعمیق کنیم؟ بنابراین ما در مجموعه‌ای از قواعد - مشخصاً در چهار قاعده - به تعمیق سوال و جواب شارع می‌پردازیم و راجع به آن گفتگو می‌کنیم؛ همان‌گونه که عرض کردم جواب شارع سه‌بعدی است - یک بُعدش بُعد تعریف است، یک بُعدش بُعد تصویر و بیان فوائد است، یک بُعدش بُعد تصمیم و اقدام است - حال به ترتیب ذیل قواعدی سعی می‌کنیم این سه بعد را تعمیق کنیم.

۲/۶/۱. بیان مبتنی بر رفق؛ روش تعمیق تصویر

همان‌گونه که قبلاً در جلساتی برای طلبه‌های محترم بحث کرده بودم، ذیل قاعده «بیان مبتنی بر رفق» بخش تصویر و فواید جواب را تعمیق می‌کنیم؛ یعنی «بیان مبتنی بر رفق»، تفصیل‌یافته بخش «تصویر» در قاعده «بیان مبتنی بر مکث» است.



۲/۶/۲. بیان مبتنی بر منزلت؛ روش تعمیق تصمیم (زمان و مکان تصمیمات)

ذیل قاعده «بیان مبتنی بر منزلت»، بخش «تصمیم» را شرح می‌دهیم. این هم خیلی بحث مهمی است. [زیرا] طبق قواعد فقه البیان، بخشی در جواب شارع تحت عنوان بخش «تصمیم» وجود دارد. در بخش تصمیم، یکی از مهمترین بخش‌ها، «زمان» اتخاذ تصمیم و «مکان» اتخاذ تصمیم است. بنابراین در قاعده «بیان مبتنی بر منزلت»، ما این دو بخش از تصمیم را به صورت ویژه شرح می‌دهیم. پس قاعده «بیان مبتنی بر منزلت»، نوعی شرح برای بخش «تصمیم» در قاعده بیان مبتنی بر مکث است.

۲/۶/۳. بیان مبتنی بر انفتاح؛ روش تعمیق تصمیم (آغاز و پایان تصمیمات)

در قاعده «بیان مبتنی بر انفتاح» ما دو بخش دیگر از تصمیم را شرح می‌دهیم. همان‌گونه که اشاره کردم ساختار بیان شارع در مقام پاسخگویی سه‌بُعدی است: هم بُعد تعریف دارد هم بُعد تصویر را شامل می‌شود و هم به بُعد تصمیم می‌پردازد. حالا اگر کسی تصمیم به انجام عملی گرفت که شارع برای او آن عمل را حلال کرده و به او دستور داده است، یا وقتی خواست نهی شارع در مورد عملی را انجام دهد، شارع برای اینکه «اقدام» برای مکلف تسهیل شود، به صورت ویژه روی «انفتاح» و «اختتام» امر و تصمیم خود تاکید کرده است. پس توجه به آغاز و «انفتاح» تصمیم، و توجه به ختم تصمیم، شرح بخش «تصمیم» در قاعده بیان مبتنی بر مکث است و نوعی تعمیق آن قاعده محسوب می‌شود و قاعده مجزایی نیست.

۲/۶/۴. بیان مبتنی بر کم؛ روش تعمیق ساختار پاسخگویی شارع (با استفاده از کم و

عدد)

در قاعده «بیان مبتنی بر کم» هم به مقوله کمیت و عدد در ساختار پاسخگویی شارع می‌پردازیم. بنابراین «بیان مبتنی بر کم» هم نوعی تعمیق ساختار پاسخگویی شارع است.

۲/۶/۵. بیان مبتنی بر سیاق؛ روش تعمیق تعریف

در قاعده «بیان مبتنی بر سیاق» نیز «تعریف» شارع را تعمیق می‌کنیم، حالا به شرحی که انشاءالله اشاره خواهیم کرد. عرض خواهیم کرد که چند نوع سیاق بر کلام شارع، حاکم است. همه آن سیاق‌های کلامی کمک می‌کنند که «تعریف» ارتقا پیدا کند. سیاق نیز نوعی تعمیق برای بخش تعریف در قاعده بیان مبتنی بر مکث است.



بنابراین سوال ششم یک بحث پیچیده است، و پیچیدگی اش هم به این است که شما برای نحوه تعمیق سوال و جواب های شارع، قواعد ممهده بیان می کنید.

[کلیت] فقه البیان این است که ابتدا قواعد ممهده ساختار سوال و جواب شارع را برای فقیه بیان می کند، سپس ذیل پنج قاعده «بیان مبتنی بر رفق»، «بیان مبتنی بر منزلت»، «بیان مبتنی بر انفتاح»، [بیان مبتنی بر سیاق] و «بیان مبتنی بر کم»، نحوه تعمیق آن سوال و جواب ها را با مخاطب به اشتراک می گذارد و برای او بیان می کند.

از نظر بنده چگونگی کشف سوال شارع و جواب شارع، در کتاب کفایة الاصول، قواعد ممهده کمی مطرح شده است، ولی چگونگی تعمیق سوال و جواب شارع اساساً در کتاب کفایة الاصول مورد سکوت است و موضوع بحث قرار نگرفته است. استحضار دارید بعضی از فقهای عظیم الشان شیعه و اصولیون محترم در مباحث شان قائل به این شدند که شارع محترم در مورد احکام، یک بیان اجمالی دارد، و یک بیان تفصیلی. حالا فقه البیان در قاعده «بیان مبتنی بر تامل» و در قاعده «بیان مبتنی بر مکث»، نحوه کشف بیان اجمالی شارع را تمهید و تئوریزه کرده است، و در این پنج قاعده ای که عرض کردم - یعنی «قاعده بیان مبتنی بر رفق»، «قاعده بیان مبتنی بر منزلت»، «قاعده بیان مبتنی بر انفتاح»، «قاعده بیان مبتنی بر کم» و «قاعده بیان مبتنی بر سیاق» - نحوه کشف جواب تفصیلی شارع را تمهید و تئوریزه کرده است. حالا ان شاء الله به آن خواهیم پرداخت. بنابراین سرفصل ششم بسیار سرفصل مهمی است. ما در این دوره سعی می کنیم این سرفصل ششم را اندکی محضر شما طرح کنیم.

۲/۷. سؤال هفتم: بیان شارع چه معاریض و انصرافاتی دارد؟

سوال هفتم و سرفصل هفتم این است که یک روایت مهمی در منابع شیعی وجود دارد تحت عنوان اینکه اهل بیت علیهم السلام فرموده اند: کلام ما معاریض متعددی دارد و چند وجهی است. در بعضی از روایات هم تصریح شده که کلام ما انصراف به هفتاد وجه دارد. ما ان شاء الله در این دوره بحثی بحث خواهیم کرد که انصراف کلام اهل بیت از نقطه شروع به نقطه ختم، دارای هفت حوزه است و معاریض هفت گانه ای بر آن حاکم است که مجموعاً آن معاریض هفت گانه با تقسیمات درونی به هفتاد



وجه و هفتاد نوع انصراف تقسیم می‌شوند. این بحث هم مثل بقیه بحث‌های فقه البیان بحث بدیعی است.

حتما فضلالی محترم و اساتید گرامی شرح‌هایی را که تا الان به روایات معاریض کلام [مطرح شده] است مطالعه فرموده‌اند. بعضی از فقهای عزیز معاصر، این بحث را مطرح کرده‌اند که مراد از معاریض کلام «تقیه» است. اما بنا به ادله‌ای که عرض خواهیم کرد، [خواهیم گفت که] مراد تقیه نیست، بلکه واقعا کلام اهل بیت، هفتاد وجه دارد.

من فکر می‌کنم برای اولین بار است که در مباحث اصولی، ساختار معاریض کلام اهل بیت علیهم‌السلام و ساختار انصراف‌های کلامی اهل بیت علیهم‌السلام به صورت تمهیدی بحث شده است که که ان‌شاءالله به آن خواهیم پرداخت.

خود این سرفصل هفتم از شاهکارهای فقه البیان است که به فضل خداوند تبارک و تعالی اینجا راجع به آن بحث خواهیم کرد. خیلی به درک عقلانیت حاکم بر آیات و روایات به ما کمک می‌کند و از اخباری‌گری به صورت جدی فاصله بگیریم. این سرفصل هفتم بسیار سرفصل مهمی است.

۲/۸. سؤال هشتم: مراحل مدارا با ظرفیت‌های مختلف از نظر شارع کدام است؟ (بیان مبتنی بر ظرفیت)

در سرفصل هشتم بحث، یک سؤالی را پاسخ خواهیم داد؛ اینکه مراحل مدارا با ظرفیت‌های مختلف جاهل از نظر شارع کدام است؟ وقتی فقهی به استنباط دست پیدا می‌کند، گروه‌های مختلفی از مردم روبروی آن هستند؛ اصطلاحا به تعبیر خود روایات، مردم یکپارچه نیستند. به تعبیر قرآن «لو شاء الله لجعل الناس امة واحدة»، یا به تعبیر روایات، مردم دارای «اصناف الناس» هستند. بنابراین فقیه باید مجهز به قواعد ممهده برای سخن گفتن با اصناف مختلف مردم باشد. اینکه شما فکر کنید که «همه مکلفین، یک نوع ظرفیت دارند» این هم مانع نظام‌سازی است، مانع تفاهم است. ما فکر می‌کنیم در نحوه بیان احکام، نیاز به قواعد ممهده داریم و در استنباط احکام متناسب با ظرفیت‌های مختلف هم نیاز به قواعد ممهده داریم.



باز همانند بسیاری از پرسش‌هایی که مطرح کردیم کتاب کفایة الاصول و کتاب رسائل مرحوم شیخ عظیم الشان در این حوزه ساکت هستند، و راجع به این حوزه صحبتی نکرده‌اند. بنابراین راجع به مراحل بیان با ظرفیت‌های مختلف بحث خواهیم کرد، وقتی کسی جهل نسبت به حکم دارد، نمی‌توانید ابتدائاً با جاهل به حکم شروع کنید به بیان حکم، [بلکه] نیاز به تمهید دارد. حالا چگونه با اصناف مختلف مردم بیان خودمان را تنظیم کنیم؟ این قواعد را ذیل قاعده اصولی «بیان مبتنی بر ظرفیت» ان‌شاءالله اجمالاً بحث خواهیم کرد.

بنابراین ان‌شاءالله در سؤال هشتم هم به این سوال مهم پاسخ می‌دهیم. وقتی ما به این قاعده توجه کنیم، سرنوشت تبلیغ تغییر خواهد کرد. ان‌شاءالله خدای متعال کمک خواهد کرد که ما تفاهم بیشتری با مکلفین و با مردم به محوریت اوامر و نواهی و سایر ابعاد بیان شارع داشته باشیم.

۳. خاتمه: قدرت کشف عقلانیت شارع (و بی‌نیازی از عقلانیت‌های پوزیتیویستی و فلسفی)؛ فائده و نتیجه توجه به سوالات هشتگانه مطرح در قواعد اصولی فقه البیان

پس این چشم انداز این دوره مباحثاتی است. امیدوارم که دایره تدوین مدرسه هدایت هم به سرعت این مباحث را تدوین کند، ارجاعاتش را آماده سازی کند و در اختیار طلبه‌ها و فضلاء محترم قرار دهد. به هر حال در دوره غیبت ما هیچ چاره‌ای نداریم غیر از اینکه با همدیگر راجع به فهم عمیق دین گفتگو کنیم، و فهم عمیق دین هم نیاز به قواعد ممهده دارد، و الا در ورطه اخباری‌گری، و در ورطه روایت بدون درایة سقوط خواهیم کرد، و برای زندگی خود و مردم چالش‌هایی را ایجاد خواهیم کرد.

من اگر بخواهم در جمله پایانی به فواید این دوره بحثی در یک جمله اشاره کنم، عرضم این است که که اگر طلبه‌ای به این هشت پرسش توجه کند، قدرت کشف عقلانیت شارع را بیش از وضعیت فعلی پیدا خواهد کرد. وقتی ما بتوانیم عقلانیت شارع را کشف کنیم، از سایر دستگاه‌های عقلانی بی‌نیاز می‌شویم؛ هم از عقلانیت پوزیتیویستی بی‌نیاز می‌شویم، هم از سایر عقلانیت‌های فلسفی که الان در حوزه علمیه رواج دارد. دغدغه فقه البیان کشف عقلانیت شارع است، و اگر ما به این اصول فقه موجود اکتفا کنیم، نمی‌توانیم عقلانیت شارع را بیش از این کشف کنیم.



با همه احترامی که برای فقهای عظیم‌الشان شیعه قائل هستیم و خودمان را مدیون تلاش‌ها و زحمات آنها در طول تاریخ می‌دانیم، ولی این نکته را باید عرض کنم که عمق کلام اهل بیت: به شکلی است که هیچ فقیهی نمی‌تواند ادعا کند که که آخر فقاقت است؛ [یعنی:] هیچ فقیهی نمی‌تواند از این مسئله دفاع کند که کشف عقلانیت مطرح در ادبیات وحی را به نحو تمام انجام داده است.

بنابراین پیشنهاد فقه البیان این است که با طرح این سوالات و گفتگوی راجع به این سوالات، قدم بالاتری در راستای کشف عقلانیت شارع ان‌شاءالله برداریم. امیدوارم ان‌شاءالله این دوره بحثی مورد رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و مورد شفاعت حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گیرد و گره‌گشایی کند و کمک کند که فقه نظام - که ارتقاء یافته فقه فردی است - بیشتر در جامعه حوزوی ما، جامعه دانشگاهی ما و جامعه نخبگانی ما مطرح شود. امیدواریم که خدای متعال از همه ما قبول کند. از اینکه عرایض برادر کوچکتان را استماع فرمودید از همه شما تشکر می‌کنم.

و الحمد لله رب العالمین

بخشی از متن:

اگر طلبه‌ای به این هشت پرسش [مطرح در قواعد اصولی فقه البیان] توجه کند، قدرت کشف عقلانیت شارع را بیش از وضعیت فعلی پیدا خواهد کرد. وقتی ما بتوانیم عقلانیت شارع را کشف کنیم، از سایر دستگاه‌های عقلانی بی‌نیاز می‌شویم؛ هم از عقلانیت پوزیتیویستی بی‌نیاز می‌شویم، هم از سایر عقلانیت‌های فلسفی که الان در حوزه علمیه رواج دارد. دغدغه فقه البیان کشف عقلانیت شارع است، و اگر ما به این اصول فقه موجود اکتفا کنیم، نمی‌توانیم عقلانیت شارع را بیش از این کشف کنیم.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه هدایت m-hedayat.blog.ir 

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou 